



امام صادق(ع) تشکیلات علمی منسجمی را پایه ریزی کرد

امام صادق(ع) به تاسیس یک نهضت عظیم فکری و فرهنگی بالنده مبادرت ورزید، به گونه ای که طولی نکشید مسجد نبوی در مدینه منوره و مسجد کوفه در شهر کوفه به دانشگاهی عظیم تبدیل شد.

امام صادق(ع) به تاسیس یک نهضت عظیم فکری و فرهنگی بالنده مبادرت ورزید، به گونه ای که طولی نکشید مسجد نبوی در مدینه منوره و مسجد کوفه در شهر کوفه به دانشگاهی عظیم تبدیل شد.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه-سمانه بیدی: حضرت صادق(ع) با بهره گیری از علم لدنی خود به تربیت شاگردانی همت گمارده اند که به واقع میتوان گفت هرکدام پایه گذار علم و مدنی ارزشمند بوده اند، مانند جابر بن حیان که پدر علم شیمی لقب گرفته است. در دستگاه تربیتی ایشان بسیاری از افراد غیر شیعی نیز حضور دارند که نشان از عمق آزاد اندیشی و منطق پروری امام را نشان می دهد. همچنین مناظرات علمی گسترده امام با افراد مختلف غیر شیعی که در این مقاله چند نمونه از آنها بیان شده است بسیار جالب است. زیرا که در این مناظرات امام با منطقی قوی و علمی غنی به پاسخگویی پرداخته اند. ایشان در تکریم شاگردانشان نیز بسیار دقت به خرج می دادند.

امام صادق(ع) در ارائه الگوی کامل علمی و تربیتی، هم در عصر خود و هم آینده بی نظیر و ناب بوده اند. و برای این الگو سازی تلاش بسیاری کردند. شخصیت علمی بالای امام صادق(ع) نه تنها مورد توجه عالمان شیعی قرار دارد بلکه در همه قرون متمادی مورد توجه اکثر دانشمندان جهان است.

روش علمی امام صادق(ع)

الف) مؤلفه های روش علمی امام صادق(ع)

از نظر امام صادق (ع) نهضت نرم افزاری می بایست بر دو پایه اصلی تعقل و تعبد قرار گیرد. اصولاً نهضتی در بعد انسانی و تمدن سازی موفق و مطلوب است که انسان را چنان که هست بشناسد و او را موجودی تک بعدی به شمار نیاورد

امام صادق (ع) همانند جد بزرگوارش در برنامه خویش در مساله تولید علم و تمدن سازی، مؤلفه ها و شاخصه هایی را در نظر داشت که نمی توانست از آن عدول کند. از نظر امام صادق (ع) نهضت نرم افزاری می بایست بر دو پایه اصلی تعقل و تعبد قرار گیرد. اصولاً نهضتی در بعد انسانی و تمدن سازی موفق و مطلوب است که انسان را چنان که هست بشناسد و او را موجودی تک بعدی به شمار نیاورد. از این رو، همان اندازه که نادیده گرفتن معنویت و ابعاد روحی و روانی انسان، به معنای شکست نهضت تولید علم و تمدنی و هر طرح و پروژه ی دیگری است. نادیده گرفتن تعقل و ابعاد عقلانی و عقلایی نیز بهره ای جز این نخواهد داشت.

انسان موجودی است که می بایست آرامش را در تعبد و آموزه های وحیانی بجوید و آسایش را با تعقل و به کارگیری عقل و عقلانیت و این پیامبر درونی فراهم آورد. آرامش و آسایش دو مؤلفه ی اصلی سعادت بشری است. این دو مؤلفه دو بخش و دو بعد انسانی را تامین می کند. پس برای رسیدن به آرامش، نیازمند وحی و آموزه های وحیانی یعنی تعبد است و برای رسیدن به آسایش نیازمند آن است تا از عقلانیت به درستی بهره مند گردد و آن را به خوبی به کار گیرد. از این روست که امام صادق (ع) همچون پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بر عقلانیت و بهره گیری از آن تاکید می ورزید.

از دیگر شاخصه هایی که آن حضرت (ع) برای تولید علم مبتنی بر اصول وحیانی و عقلانی بیان می دارد و بر آن باور دارد، فرهنگ سازی است. به نظر آن حضرت نمی توان بدون فرهنگ سازی از جامعه امید داشت تا به اصول علمی علاقه مند باشد و در راستای تمدن سازی اقدام به تلاش علمی و کوشش عملی نماید. از این جاست که مساله ارزش علم و دانش آموزی در نظر آن حضرت (ع) بسیار مهم جلوه می کند و روایات بسیاری در ترغیب و تشویق علم آموزی از آن حضرت وارد می شود. در این راستا امام صادق (ع) خود به ایجاد کلاس های متعدد آموزشی و کارگاه های علم آموزی اقدام می کند.

به نظر امام صادق (ع) علم می بایست پویا، اثرگذار، کاربردی و پاسخ گو باشد. از این روست که در دانشگاه آن حضرت (ع) که اختصاص به علم خاصی نداشت و همه علوم و فنون رایج تدریس می شد، نه تنها پویایی و اثرگذاری، اصل است

بلکه تاکید بر کاربردی و پاسخ گو بودن به نیازهای عصری، اصل اساسی و شاخصه ی اصلی است

به نظر امام صادق (ع) علم می بایست پویا، اثرگذار، کاربردی و پاسخ گو باشد. از این روست که در دانشگاه آن حضرت (ع) که اختصاص به علم خاصی نداشت و همه علوم و فنون رایج تدریس می شد، نه تنها پویایی و اثرگذاری، اصل است بلکه تاکید بر کاربردی و پاسخ گو بودن به نیازهای عصری، اصل اساسی و شاخصه ی اصلی است.

دانشگاه چهار هزار نفری آن حضرت تاکید می کند بر اصل فراگیری علوم و ایجاد فرهنگ سازی عمومی در همه دانش های تمدن ساز و موثر از این روست که به شاگردان خود پاسخ هایی را می آموزد که متناسب با دانش های عصری آن روز است و به شاگردان تعلیم می دهد که روش پاسخ گویی می بایست با توجه به شرایط فردی و یا جمعی و نیز با هدف حل مشکلات و معضلات بشری باشد.[۱]

ب) روش مطالعه طبیعت و پدیده های آن

امتیاز برجسته امام جعفر صادق (ع) در این بود که با استفاده از قرآن مجید به شناخت صحیح روشهای علمی توفیق یافت .

آن هنگام که امام صادق (ع) درباره خدا و توحید بحث می کند می بینیم که خط گردش فکری امام ، مطالعه طبیعت و پدیده های آن می باشد، آن هم مطالعه ای عینی و حسی .

خیانت عظیم خلفای عباسی و مخصوصاً مأمون به جامعه اسلام و علم و فرهنگ اسلامی در درجه اول این بوده است که : به منظور درهم کوبیدن عظمت علمی خاندان نبوت و ایجاد دستگاهی در برابر دستگاه مذهب ، دروازه های جامعه اسلامی را به روی روش های علمی کهنه و فرسوده یونان قدیم باز کرد. روشهایی که درست در قطب مخالف روش مشاهده عینی طبیعت قرار داشت.

مسلمین می رفتند تا با استفاده از روش تحقیقاتی قرآن و امام جعفر صادق (ع) قدم در راه شناخت صحیح طبیعت بردارند و نخستین محصول این مکتب در اسلام ، شاگرد هوشمند امام صادق (ع) جابر بن حیان است که می توان به حق او را پدر شیمی لقب داد. امام جعفر صادق (ع) با استفاده از روشهای صحیح علمی موفق شد شاگردانی بزرگ تربیت کند و دریچه های دانش خود را به روی ملت اسلام باز کند.[۲]

ج) روش امام صادق (ع) در بازتولید علم

در اندیشه و بینش امام صادق (ع) ترس و خطر این که علم به بیراهه رود و از اهداف اصلی خود منحرف شود، ترس روشن و پرواضحی است. نمی توان امید داشت که علم در مسیر خود حرکت کند و به بیراهه در اهداف و مقصد نرود. سوء استفاده از علم همواره وجود داشته و دارد، چنان که علم بدون نقد، تحلیل و بازتولید، هرگز به کمال نمی رسد. در بینش امام صادق (ع) برای رسیدن به علم کامل، مفید و کاربردی و سازنده، لازم است همواره از همه جهات مورد نقد و بررسی و باز تولید قرار گیرد تا به بیراهه نرود و در راستای اهداف ضد بشری به کار گرفته نشود.[۳]

امام صادق (ع) در روایات بسیاری به این مهم و شاخصه ها توجه داشته و اهتمام می ورزد. از این رو همواره آثار علمی گذشتگان را نقد می کند و اشکالات و نارسایی های آن را باز می نمایاند. علوم موجود زمانه خود از فلسفه و کلام و نجوم و ادبیات و فقه و قانون و نظام های حکومتی را نقد و بررسی و تحلیل می کند و نقاط ضعف و قوت ها آن ها را می نمایاند و با باز تولید علوم موجود زمانه، می کوشد تا کارآیی آن ها را حفظ یا افزایش دهد.

نگاهی گذرا به گزارش ها و روایات و اخبار می تواند این مطلب را به خوبی نشان بدهد و معلوم کند که آن حضرت (ع) تمدن اسلامی را چنان قدرتمند و سازنده و پویا نماید که آثار آن تا سده های چهارم و پنجم هجری بر جای ماند. بنابراین برای رسیدن به نهضت تولید علم و تمدن سازی مدرن لازم است شاخصه های مطرح شده از سوی امام صادق (ع) دوباره مورد توجه و بازخوانی قرار گیرد و دستگاه معرفتی جامعه اسلامی برپایه تعبد و عقلانیت بازسازی شود.

امام صادق (ع) برای این کار از سه راه وارد شد:

اول تشکیل جلسات درس که در مسجد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تشکیل می شد و ورود به آن برای همه اعم از شیعه و اهل سنت و غیر آنان آزاد بود.

دوم تشکیل مجالس خصوصی که اغلب در منزل آن حضرت انجام می گرفت و فقط اشخاص خاص در آن شرکت می کردند.

سوم تربیت شاگردان بحث و مبلغ امثال هشام بن حکم و مؤمن طاق[۴] و دیگران که همه جا تبلیغ می کردند و بدعت گذاران و مدعیان زعامت دینی از دستشان خواب راحت نداشتند.

ارباب حدیث نام راویان موثق را که از سوی حضرت نقل حدیث کرده اند به چهار هزار نفر رسانده اند که همه با اختلاف آراء و نظراتی که داشتند از آن حضرت نقل روایت کرده اند.

شاگردان امام صادق(ع)

الف) تأسیس نهضت علمی و فرهنگی برای تربیت شاگردان

برای نهادینه سازی تولید علم، آن حضرت تشکیلات علمی منسجمی را پایه ریزی کرد. برای تأمین نیازهای مالی با استفاده از خمس و دیگر امکانات مادی، دانشمندان جوان را در راستای تولید علم واقعی مبتنی بر اصول شیعی بسیج نمود

برای نهادینه سازی تولید علم، آن حضرت تشکیلات علمی منسجمی را پایه ریزی کرد. برای تأمین نیازهای مالی با استفاده از خمس و دیگر امکانات مادی، دانشمندان جوان را در راستای تولید علم واقعی مبتنی بر اصول شیعی بسیج نمود. این اقدام امام صادق (ع) موجب شد تا حرکت های علمی فرد محور نشود و با از دست رفتن دانشمندی، علم به قهقرا نرود، بلکه دیگر شاگردان آن را ادامه دهند و به نهایت و بلوغ رسانند. چنین است که پس از مرگ هر شاگردی آن علم را به شاگردان دیگر منتقل کرده و دانشمندان شیعی در همه علوم سرآمد روزگار می گردند.

شاگردان امام باقر (ع) پس از درگذشت آن؛ حضرت به گرد شمع وجود امام صادق (ع) حلقه زدند. امام (ع) نیز با جذب شاگردان جدید به تاسیس یک نهضت عظیم فکری و فرهنگی بالنده مبادرت ورزید، به گونه ای که طولی نکشید مسجد نبوی در مدینه منوره و مسجد کوفه در شهر کوفه به دانشگاهی عظیم تبدیل شد. درگیری شدید بین بنی عباس و بنی امیه، آنان را آن چنان رنجاند؛ به خود مشغول کرده بود، که فرصتی طلایی برای امام صادق (ع) و یارانش به دست آمد، آن حضرت با استفاده از این فرصت؛ به بازسازی و نوسازی فرهنگ ناب اسلام پرداخت و شیفتگان مکتب حق از اطراف و اکناف، از بصره، کوفه، واسط، یمن و نقاط مختلف حجاز به مرکز اسلام؛ یعنی مدینه، سرازیر شدند و چون پروانگانی دلباخته به گرد شمع؛ وجود امام صادق (ع) تجمع کردند.

ب) تعداد شاگردان

روز به روز به تعداد شاگردان می افزود، به گونه ای که تعداد آنها به چهار هزار نفر رسید.[۵]

شیخ طوسی(وفات یافته ۴۶۰ ه.ق)در کتاب رجال خود تعداد شاگردان امام صادق (ع) را ۳۱۹۷۱ مرد و ۱۲ زن نام می برد. در این دانشگاه عظیم صدها مجتهد، استاد، دانشمند و محقق تربیت شدند، که هر کدام شخصیت های بزرگ علمی به شمار می آمدند، و گروهی از آنان دارای آثار علمی و شاگردان متعدد شدند. شیخ مفید(وفات یافته ۴۱۳ ه.ق)می نویسد: «به قدری علوم؛ از امام صادق (ع) نقل شده که در همه جا پخش شده، و زبان به زبان به گردش درآمده است، و از هیچ یک از افراد خاندان رسالت، آن همه علم و حدیث، نقل نشده است.»[۶] در آن عصر، هزارها نفر از محضر علمی امام بهره می بردند. جمیل درّاج ، عبد الله بن مسکان ، ابان بن تغلب ، ابوحمزه ثمالی و فقهای بزرگ و محدثین عالی مقام دیگر همه از شاگردان امام (ع) بوده اند.

شیخ طوسی(وفات یافته ۴۶۰ ه.ق)در کتاب رجال خود تعداد شاگردان امام صادق (ع) را ۳۱۹۷۱ مرد و ۱۲ زن نام می برد. در این دانشگاه عظیم صدها مجتهد، استاد، دانشمند و محقق تربیت شدند، که هر کدام شخصیت های بزرگ علمی به شمار می آمدند

می نویسند: وقتی که حضرتش به کرسی درس جلوس می فرمود صدها تن عالم و فقیه و متکلم محضرش را پر می کردند و تعداد شاگردان آن حضرت را تا چهار هزار نفر ثبت کرده اند. در گزارش های تاریخی از جابربن حیان به عنوان بنیانگذار علم شیمی و از ابن هشام به عنوان بنیانگذار علم اصول و مانند آن یاد می شود که بیانگر میزان نقش امام

صادق (ع) در ایجاد نهضت علمی تولید علم و تمدن سازی است. شاگردان امام از نقاط مختلف همچون کوفه، بصره، واسط، حجاز و امثال اینها و نیز از قبائل گوناگون مانند: بنی‌اسد، مخارق، طی، سلیم، غطفان، ازد، خزاعه، خثعم، مخزوم، بنی‌رمی، ضیه، قریش بویزه بنی‌رمی، حارث بن عبدالمطلب و بنی‌الحسن بودند که به مکتب آن حضرت می‌پیوستند. در وسعت دانشگاه امام همین قدر بس که «حسن بن علی بن زیاد و شاء»؛ که از شاگردان امام رضا علیه‌السلام و از محدثان بزرگ بوده (و طبعا سالها پس از امام صادق علیه‌السلام زندگی می‌کرده)، می‌گفت: «در مسجد کوفه نهصد نفر استاد حدیث مشاهده کردم که همگی از جعفر بن محمد حدیث نقل می‌کردند.» امام صادق علیه‌السلام هر یک از شاگردان خود را در رشته‌ای که با ذوق و قریحه‌ی او سازگار بود، تشویق و تعلیم می‌نمود و در نتیجه، هر کدام از آنها در یک یا دو رشته از علوم مانند: حدیث، تفسیر، علم کلام، و امثال اینها تخصص پیدا می‌کردند.

ج) شاگردان غیر شیعی

شاگردان امام صادق (ع) به شیعیان انحصار نداشتند، بلکه دیگران نیز از خرمن فیض او خوشه می‌چیدند. مالک، پیشوای فرقه مالکی، در ضمن گفتاری گوید: «در علم و عبادت و پاک‌زیستی، برتر از جعفر بن محمد (ع) هیچ چشمی ندیده، و هیچ گوش‌شنیده و به قلب هیچ بشری خطور نکرده است.» ابوحنیفه پیشوای فرقه حنفی، دو سال شاگرد امام صادق (ع) بود، به طوری که این دو سال را اساس و سرمایه‌ی اصلی علوم خود دانسته و می‌گوید: «لولا السنن لهلك نعمان؛ اگر آن دو سال نبود، نعمان هلاک می‌شد.» همچنین امام صادق علیه‌السلام با تمام جریان‌های فکری و عقیدتی آن روز برخورد کرد و موضع اسلام و تشیع را در برابر آنها روشن ساخته برتری بینش اسلام را ثابت نمود.

برخی تعاملات علمی امام صادق (ع) با علمای غیر شیعی

امام صادق (ع) ضمن انجام مناظرات فراوان با منحرفان فکری و اعتقادی اعم از مادیین و زنادقه، خوارج یا علماء معتزله و دیگر علماء اهل سنت، از شرایط زمان و مکان برگزاری این محافل برای تبلیغ رسالت الهی خویش سود می‌جستند.

الف) امام صادق و ابوحنیفه

یکی از فقهای که از محضر امام صادق بهره‌ی وافری برده و مذاکرات علمی او با امام صادق مشهور می‌باشد، ابوحنیفه نعمان بن ثابت است که وقتی از او پرسیده شد: فقیه‌ترین کسی که مشاهده کرده‌ای کدام است؟ در جواب فرمود: هیچ کس را فقیه‌تر از جعفر بن محمد ندیده‌ام، وقتی منصور خلیفه عباسی جعفر بن محمد را احضار کرده بود به من گفت که مردم بشدت شیفته جعفر بن محمد شده‌اند، پس برای محکوم ساختن مشکل‌ترین مسائلی را که به نظرت می‌رسد آماده کن، من چهل مسئله مشکل علمی را آماده نمودم و به حضور منصور رفتم و دیدم که جعفر بن محمد سمت راست او نشسته است، با مشاهده او آنچنان تحت تأثیر ابهت و عظمت او قرار گرفتم که چنین حالتی از دیدن منصور به من دست نداد، سلام کردم و نشستم، منصور رو به جعفر بن محمد کرد و گفت: آیا او را می‌شناسی؟ فرمود: آری، سپس به من گفت: مسائل خود را مطرح کن تا از ابی عبدالله پرسیم. پس شروع کردم به طرح مسائل و امام صادق در هر مورد می‌فرمود: شما در این مسئله چنین می‌گویید و اهل مدینه نظرشان چنان است و نظر ما هم این است، که در برخی موارد با ما موافق بود و در برخی موارد با اهل مدینه، و در برخی مسائل نظرش با همه متفاوت بود، تا اینکه هرچهل مسئله را بی‌کم و کاست مطرح نمودم. سپس امام ابوحنیفه فرمود: مگر نه این است که داناترین مردم آن کسی است که به اختلاف علما در فتاوا و مسائل فقهی آگاه‌تر باشد؟ [۸]

این حکایت تاریخی اولاً بیانگر مقام و منزلت والای علمی امام صادق است و ثانیاً تأثیر و نفوذ عمیق ایشان را در توده مردم و خوف و هراس حکام آن زمان را از این تأثیر و نفوذ به خوبی نشان می‌دهد که خود دلیل دیگری بر شأن و منزلت وی می‌باشد.

ب) امام صادق و مالک بن انس

یکی از فقهای برجسته اسلامی که از محضر امام جعفر صادق بهره‌مند گشته است، مالک می‌باشد که پیوسته در مجلس امام صادق حاضر می‌شده و با ایشان ارتباط مستحکمی داشته است تا آنجائیکه در این باره می‌فرماید: مدتی نزد جعفر بن محمد رفتم و آمد می‌کردم و هربار که به نزد او می‌رفتم او را بر یکی از این سه حالت مشاهده می‌کردم: یا در حال نماز بود یا در حال تلاوت قرآن و یا روزه دار، و ندیدم که بدون وضوء حدیثی را روایت کند. [۹]

بسیاری از شاگردان امام صادق علیه‌السلام در حلقه‌ی درس محدثان اهل سنت حاضر می‌شدند و به نوبه‌ی خود تأثیراتی در طرز تفکر و تلقی آنها بر جای می‌گذاشتند. در میان اصحاب و پیروان امام صادق علیه‌السلام کسانی وجود داشتند که به واقع از شیعیان آن حضرت بودند و در حفظ آثار علمی و روایی آن بزرگوار، تلاش‌های مداوم و خستگی ناپذیری از خود نشان می‌دادند.

ج) امام صادق و سفیان ثوری

سفیان ثوری یکی از محدثین و مجتهدین آن عصر نیز، از شاگردان امام صادق بوده که از محضر ایشان بهره‌ی زیادی برده و بشدت تحت تأثیر وی قرار داشته است. او نسبت به اهل بیت و خاصه امام جعفر صادق احترام و ارادت خاصی داشت و همواره از او کسب فیض می‌نمود. روزی در مجلس امام صادق بود و اصرار داشت که امام صادق برایش حدیثی یا موعظه‌ی ای بیان نماید که امام صادق نیز درخواستش را اجابت نموده، به او چنین فرمود: [ای سفیان، هرگاه خداوند به تو نعمتی داد که دوست داشتی آن نعمت مستدام باشد پس زیاد حمد و سپاس خدا را بگو، زیرا که خداوند فرموده است: (اگر شکرگزار باشید نعمت شما را می‌افزایم)، و هرگاه رزق و روزیت به تأخیر افتاد زیاد استغفار کن که خداوند فرموده است (از خدایتان آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده است، تا باران رحمتش را بر شما سرازیر کند و شما را با مال و فرزند امداد کند) و هرگاه از حاکمی دلهره و وحشت داشتی زیاد (لا حول ولا قوة الا بالله) بگو که همانا این جمله کلید گشایش و گنجینه‌ی ای از گنجینه‌های بهشت است]. سفیان ثوری در حالیکه از آنچه فرا گرفته به وجد آمده بود گفت: سه اندرز، و چه سه اندرزی!

این حکایت نیز گویای همان تأثیر و نفوذ امام صادق و مقبولیت و محبوبیتی است که وی نزد علما و فقهای مشهور عصر خود داشته و بطور عام بیانگر ارادت و احترامی است که علمای ربانی برای اهل بیت قائل بوده‌اند. و از طرفی مبین این حقیقت است که این تعصبات و تنگ نظریهایی که در حال حاضر علمای فرق اسلامی را از هم دور و نسبت به هم بدبین نموده است، در بین شخصیت‌هایی که همین علما خود را منتسب به آنها و پیرو و ارادتمند آنها می‌دانند، وجود نداشته و با وجود اختلاف نظری که در بین آنها بوده، نه تنها هیچگونه کدورت و بغض و کینه‌ی ای در میان آنها نبوده، بلکه روابطی توأم با صمیمیت و احترام متقابل و انصاف نسبت به همدیگر و خیرخواهی و حق جویی و تبادل افکار، در میان آنها برقرار بوده است.

[۱] محیطی، فرشته، امام صادق (ع) و بازسازی نهضت نرم افزاری و تولید علم، روزنامه کیهان

[۲] همان

[۳] محیطی، فرشته، امام صادق (ع) و بازسازی نهضت نرم افزاری و تولید علم، روزنامه کیهان

[۴] ابو جعفر احوال

[۵] شیخ مفید، الارشاد، قم: منشورات مکتبه بصیرتی، ص ۲۷۱

[۶] شیخ مفید، الارشاد، قم: منشورات مکتبه بصیرتی، ص ۲۷۰.

[۷] ابن حجر، العسقلانی، تهذیب التهذیب، چاپ اول، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۴ هـ. ق، ج ۱، ص ۵۳.

[۸] مجلسی، بحار الانوار، چاپ دوم، تهران: مکتبه الاسلامیه (۱۳۹۵ هـ. ق)، ج ۴۷، ص ۲۱۷.

[۹] ابن حجر، العسقلانی، تهذیب التهذیب، چاپ اول، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۴ هـ. ق، ج ۱، ص ۸۸.